

## درباره فیلم «از تهران تا قاهره» (۲)

### بی بی سی و حسن شریعتمداری

امیرفیض- حقوقدان

برنامه ساز رادیو بی بی سی آقای [عنایت] فانی گفتگویی با آقای حسن شریعتمداری ترتیب داده بود که تحریر حاضر در رابطه با برخی مطالب آن گفتگوست.

اولین سوال آقای فانی این بود که «نقل قولی اخیرا از فرح پهلوی ملکه سابقه ایران آورده شده که >آیت الله شریعتمداری پدرشما در مقطعی، اسامی عده ای از روحانیون سیاسی مخالف شاه راداده بود که بهتر است آنها را تبعید کنند در رابطه مخالفت پدرشما با ولایت فقیه ممکن است این یک امر طبیعی بحساب آید<

**توضیح لازم** - سید کاظم شریعتمداری هرگز با اصل ولایت فقیه مخالف نبود او ولایت فقیه را از حقوق شورانی مرکب از مراجع تقلید میدانست که وظیفه ولایت فقیه که از اصول تشیع است را عهده دار باشند، نظریه شریعتمداری مورد تائید قمی (معروف به ایت الله هم بود و در مصاحبه ای در اردیبهشت سال ۶۰ گفت:

«باید مراجع تقلید بتوانند بعنوان بالاترین مقام قوانین مصوبه را ملاحظه و اظهار نظر نمایند بطوریکه مصوبات بدون تائید مراجع اعتبار قانونی نداشته باشد و دولت مجبور به تبعیت از مراجع باشد» شریعتمداری شدیداً معتقد به دخالت روحانیون در سیاست و حکومت بود در سندی از اسناد سفارت آمده که >..... او بشدت با مواضع ابتدائی دولت که روحانیت باید از سیاست خارج شود مخالف بود. شریعتمداری واقعا طرفدار یک نوع حکومت روحانیون در ایران است.....» (پایان توضیح) (جلد ۲۵ صفحه ۱۱ اسناد سفارت آمریکا تاریخ سند ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ = ۲۵۰۳)

### پاسخ آقای حسن شریعتمداری

پاسخ آقای حسن شریعتمداری این بوده که >ایشان (علیاحضرت) ناقص نقل کرده اند در آن روزها و در آستانه حکومت نظامی که احتمال کشتار مخالفین شاه میرفت، پدرم گفت: اگر میخواهید کاری کنید بیایدحتی من را هم بگیرید و ما را از کارهای سیاسی عزل کنید< بعد هم توضیحاتی درباره شکنجه و تهدید پدرشان میدهند.

سوال دیگر آقای فانی موقعیت آقای سید کاظم شریعتمداری در کودتای معروف قطب زاده بود که آقای حسن شریعتمداری منکر دخالت پدرشان در کودتای مزبور شد و علت اتهام مشارکت به پدرشان را اینطور توصیف کردند که پدرشان به آخوندی ۵۰۰ هزار تومان برای خرید خانه قرض دادند و این موضوع سبب اتهام پدر ایشان در مشارک در امر کودتا گردید

### دلیلی بر نادرستی اظهارات آقای حسن شریعتمداری

مطلبی را که آقای حسن شریعتمداری درباره پدرشان در رابطه با پیام به دولت عنوان کردند؛ تحریف شده است و درست آنرا باید در اسناد ساواک در کتاب >آیت الله شریعتمداری بروایت ساواک< خواند.

>در خرداد ماه سال ۱۳۴۲ = ۲۵۰۲ که فشار طرفداران خمینی و مخالفین شاه بر شریعتمداری زیاد شد شریعتمداری ضمن تلگرافی محرمانه که مشخصات تلگراف دقیقاً در آن کتاب از اسناد ساواک درج شده است به ساواک پیشنهاد میکند:

- ۱- خانه او را دولت محاصره کند و رفت و آمد مردم ممنوع شود.
- ۲- به نام ملاقات با علیحضرت به تهران حرکت کند و چند روزی مخفی گردد.
- ۳- به مشهد و یا شهری (عبدالعظیم) تبعید شود.

شریعتمداری در آن تلکراف اضافه کرده است در غیر این صورت و عدم قبول یکی از پیشنهادات بالامحور به همکاری با خمینی خواهد شد .....  
(همان کتاب صفحه ۱۹۶)

بنابراین درخواست تبعید شریعتمداری که آقای حسن فرزند ایشان آنرا بحساب جانبداری از مردم گذاشته برخلاف ادعای ایشان برای فرار از مراجعات طرفداران خمینی بوده است.

### دلایلی که به نقل قول علیاحضرت اصالت میدهد

۱- موضوعی را که علیاحضرت در رابطه با شریعتمداری در فیلم از تهران تا قاهره مطرح فرموده اند و در مصاحبه بی بی سی - سی مورد استفاده و سوال آقای فانی قرار گرفته بی سابقه نیست و موضوع عینا در کتاب خاطرات فرح پهلوی که تحت عنوان «کهن دیارا» در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است ثبت است.

### نوشته کتاب به اینجا آورده میشود

«آیت الله شریعتمداری در نگرانی های همسر شریک بود از رفتار خمینی ناراحت بود و پیامی برای پادشاه فرستاد که با ذکر نام روحانیون افراطی تقاضای بازداشت آنها را میکرد، شریعتمداری معتقد بود که بادیستگیری آنان تظاهرات پایان خواهد یافت من این فهرست را دیده ام»

۲- در فروردین سال ۵۷ (۲۵۱۷) آقای پرویز ثابتی با شریعتمداری ملاقاتی داشته و این ملاقات دنباله ملاقاتهای بوده که دوبر در هر سال با آقای شریعتمداری انجام میداده.

حاشیه- در سال ۴۲ (۲۵۰۲) سرهنگی که متاسفانه نامش ثبت در اسناد سنگرنیست و آن سرهنگ خود را از خدمتگذاران بسیار نزدیک به شاه معرفی میکرد در گفتگویی با اینجانب گفت که از بعد از جریان فرقه دمکرات تا شورش ۵۷ بطور تقریب سید کاظم شریعتمداری ۱۴۴ بار با شاهنشاه آریامهر ملاقت داشته است که سنگرم در شماره های ۲۹۸ و ۲۹۷ به شهادت مزبور استناد کرده است (پایان حاشیه)

دران ملاقات که در قم صورت گرفته شریعتمداری میگوید «گفتم این خمینی چی ها راب گیرید که نگرفتید»

«من بعنوان مجتهد به شما میگویم که خمینی دارد فتنه علیه اسلام میکند و قتلش واجب است و شما میتوانید آدم بفرستید و او را بکشید.....»  
(کتاب آقای ثابتی صفحه ۵۷۵)

اسناد ردیف یک و دو که در بالا اشاره شد خاصه که اظهارات علیاحضرت از پشتوانه رویت فهرست اسامی برخوردار است، حکم، بر اصالت اظهارات ایشان در فیلم تهران در قاهره را دارد و جای اعتباری برای اظهارات آقای حسن شریعتمداری در مورد ناقص بودن اظهارات علیاحضرت باقی نمیگذارد.

### ادعای شکنجه شریعتمداری

گرچه موضوع شکنجه شریعتمداری ارتباطی به سوال آقای فانی ندارد ولی برای اثبات بی اعتباری اظهارات حسن شریعتمداری این اشاره بجاست.

دروصیت نامه شریعتمداری ابا به موضوع شکنجه و اینکه ریشهری گفته است به ناموست تجاوز میکنم ذکر نشده است در حالیکه اگر او در زمان حیاتش، اکراه در بیان آنرا داشته آگاهی مقلدینش از آنچه براو رفته تا سبب کرنش و بیعت به خمینی و حکومت او شده لازم بوده و این امر با ذکر در وصیت عهدی و یاسند جداگانه ای نه تنها بلاشکال بلکه وظیفه شرعی هم بوده است که چنین چیزی تاکنون ارانه نشده است.

خاصه که این سوال هم پیش میاید؛ آیا هنگامیکه شریعتمداری به جمهوری اسلامی رای داد (اظهارات شریعتمداری مشروح درسنگر ۲۹۷) آنوقت هم تهدید تجاوز به ناموس اوسبب رای به جمهوری اسلامی شد؟

آیا درسال ۵۶ (۲۵۱۶) که دراجتماعی درقم شریعتمداری گفت: «من آنقدر ختم برای شهدای اسلام میگیرم تا مردم ختم رژیم پهلوی را برپاکنند، شاه یزید تاریخ است» (سنگر ۲۹۸ صفحه ۱۱)

به شریعتمداری سیلی زده و تهدید به تجاوز به ناموس اوشده بود؟

### انگیزه از مصاحبه مزبور

غرض از تدارک مصاحبه مزبور و اظهارات آقای حسن شریعتمداری در حول حوش اینها است:

- ۱- اعلام اینکه سید کاظم شریعتمداری تپای جان خودش برای حفظ حق روحانیت در دخالت در سیاست و حکومت ایستادگی میکرده تاحدی که در مقابل احتمال اعمال خشونت علیه روحانیت شریک در انقلاب! به بهای جان خود قائما و قاطعانه ایستاده است و در نهایت مانع اعمال خشونت در حد کشتار انقلابیون و توقف انقلاب شده است.
- ۲- اظهار علیاحضرت به اینکه کاظم شریعتمداری خواستار تبعید روحانیون انقلابی بوده و این خواست او نمودی از جابداری شریعتمداری از شاه است درست نیست و این چنین اظهاری از سوی علیاحضرت ناشی از فراموشی و نقل ناقص قول است و شریعتمداری مخالف شاه و سلطنت بوده است.
- ۳- سید کاظم شریعتمداری مطلقا در کودتا مشارکت و دخالتی نداشته و اساسا چنین اتهامی به قصد مخالفت خمینی با کاظم شریعتمداری بوده که قصد از بین بردن شریعتمداری راداشته است.

بنا بر این پدرایشان هم موافق انقلاب و دخالت روحانیون در کار سیاست و هم مخالف کودتا علیه خمینی و جمهوری اسلامی و هم وفادار به خمینی بوده ولی کسانی چون احمد خمینی و رفسنجانی بطور مسلم و باترید خا منه ای قصد از بین بردن سید کاظم شریعتمداری راداشته اند، لذا باین سوابق چرا باید پسر کاظم شریعتمداری از جریان انقلاب! اسلامی کنار گذاشته شود؟

به کلامی دیگر سید کاظم شریعتمداری یکی از ستونهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است و بنابراین مذهب تشیع که فرزند از حقوق پدر منتفع میشود آقای حسن شریعتمداری حق دارد که رهبری مبارزه کسانی را که به انقلاب! اسلامی و شخص خمینی وفادار بوده ولی از کیفیت عمل خا منه ای و حکومت فعلی ناراضی هستند داشته باشند، چنانکه اگر شریعتمداری زنده بود بطور حتم رهبری اپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی حق او بود و در نهایت و در یک جمله جا انداختن جناح مصدقی شورش ۵۷ یعنی همان مورد مشخصی که در کنفرانس گوادلوپ موافقت شده بود.

وقتی بیاد بیاوریم که در جریان شورش ۵۷ حتی در مراسم اربعین شریعتمداری، عناوینی که برای او بکار میرفت اینها بود.

پدر عالی مقام - مجتهد بزرگ - متفکر و اندیشمند اسلامی - مجاهد کبیر - ابر مرد تاریخ - آزادیخواه بزرگ - حافظ حق حاکمیت ملت - وطن دوست - مرجع عالیقدر جهان اسلام و تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری قدس ثره (نقل از سنگر ۲۹۶)

آنوقت میفهمیم که خلاء شخصیت مذهبی بعد از خمینی و حفظ تداوم انقلاب اسلامی شریعتمداری بود و اکنون حسن شریعتمداری نایب مناب حق پدراست که این حق دقیقا منطبق با توافق در گوادلوپ هم هست.

در این مورد سندی در اسناد سفارت آمریکا گویایی بیشتری دارد.

«سند محرمانه و بکلی سری تاریخ سال ۱۳۴۳

شریعتمداری در حدود ۶۴ سال سن دارد و در قم ساکن است او یکی از ۴ قدرت مذهبی قم میباشد و در تبریز متولد شده نفوذ قابل توجهی در تبریز و آذربایجان دارد و در آن حدود ۵۰۰ هزار مقلد دارد اگرچه او در واقع اعمال آیت الله خمینی را دوست ندارد ولی بدون اینکه بروز دهد در همان جهت فعالیت میکند.» (صفحه نهم جلد ۲۵ اسناد سفارت آمریکا)

این سند نشان میدهد که شریعتمداری و امروز حزب خلق مسلمان که بنیان گذار آن سید کاظم شریعتمداری بوده دقیقاً همان کسی است که از نظر آمریکایی ها جانشین خمینی و ادامه راه او بوده است البته منهای دشمنی با آمریکا (در اسناد سفارت آمریکا علاقه مندی شریعتمداری به آمریکا کاملاً مشهود است)

سابقه نشان میدهد که در هر فرصتی که پیش آمده جناح مصدقی شورش زیر نام شریعتمداری به استحکام موقعیت خود پرداخته است و این در حالیکه تا یکسال بعد از صحنه سازیهای سید کاظم شریعتمداری و مرگ او، از حزب خلق مسلمان فعالیتی مشهود نبود، به دلیل زیر توجه فرمائید:

بمناسبت چهلمین روز درگذشت شریعتمداری در ۲۸ اردیبهشت سال ۶۵، از سوی جناح مصدقی شورش مراسمی در سن خوزه تدارک شد و از یکماه قبلاً آگهی های لازم در کیهان لندن به امضای سنجابی - مدنی - نزیه - دکتر آذر - هواداران جبهه ملی - واعظی نامی که کیهان لندن اورانماینده شریعتمداری معرفی کرده بود و پسر شریعتمداری و نیز در رسانه های گروهی منطقه و بصورت اعلامیه هانی، دعوت عمومی شده بود.

نتیجه این شد که از ۱۵۰ هزار نفر ایرانی ساکن سن خوزه تنها ۱۲۰ نفر در آن مجلس حضور یافتند که مسلماً طبق معمول عده ای هم عوامل جمهوری اسلامی بوده اند و عجب اینکه هیچیک از دعوت کنندگان مردم به مراسم، حتی حسن شریعتمداری در آن جلسه شرکت نکردند، شوربختانه بیانیه اعلیحضرت بمناسبت درگذشت شریعتمداری کلیدی بود که قفل بسته حزب خلق مسلمان را باز کرد.

**حاشیه** - طبق گزارشی که به سنگردر رابطه با مراسم چهل شریعتمداری رسید و در سنگرد ۲۹۶ منعکس است، حسن شریعتمداری و چند نفری که دعوت کننده تظاهرات بودند، در چمن مقابل محل تظاهرات حضور داشته اند ولی وقتی میبینند که از تظاهرات استقبال نشده و سهل است که حالت مسخره دارد، ترجیح دادند که خودشان را نشان ندهند (پایان حاشیه) (سنگرد ۲۹۶ صفحه ۱۲)